فرهیختگان

farhikhteganonline

WWW.FDN.IR

چگونه جدیدترین ابتکارات جهانی پکن به دنبال بازسازی نظم جهانی هستند

تیغ تیز چین بر قلب نظم آمریکایی

سجاد عطازاده

مترجم

مایکل شومن (گزارشگر سابق روزنامه وال استریت ژورنال و مجله تایم)، جاناتان فولتون (دانشیار روابط بین‌الملل در دانشگاه بن زائد امارات متحده عربی) و تووایا جرینگ (سرهنگ ذخیره ارتش رژیم صهیونیستی و پژوهشگر موسسه‌ای آن‌اس‌اس این رژیم)، در مقاله‌ای باعنوان «چگونه جدیدترین ابتکارات جهانی پکن به‌دنبال بازسازی نظم جهانی هستند» که در وبسایت اندیشکده آمریکایی شورای آتلانتیک منتشر شده است، به بررسی ابتکارات مطرح شده از سوی چین برای جایگزینی نظم لیبرال غربی پرداخته‌اند. اگرچه این مقاله با سوگیری غربی نوشته شده است، اما حاوی اطلاعات مهمی درباره برنامه چین و همچنین تصویر آمریکا از این ابتکارات است. در ادامه ترجمه خلاصه‌ای از این مقاله را می‌خوانید.

مقدمه

در مارس ۲۰۲۳، چین با دستیابی به یک پیشرفت دیپلماتیک نادر و غیرمنتظره، جهان را مبهوت کرد. شی جین پینگ، رهبر چین، میانجیگر برقراری توافقی میان دو کشور مخالف دیرینه، یعنی ایران و عربستان سعودی، برای احیای روابط دیپلماتیک شد. این اتفاق یک کودتا است که می‌تواند خاورمیانه و نقش ایالات‌متحده در این منطقه حیاتی را تغییر دهد. وانگ‌یی، مقام ارشد حزب کمونیست چین در امور خارجی، در اظهاراتی که پس از امضای این توافق داشت، خاطرنشان کرد این گفت‌وگو کاربست موفق ابتکار امنیت جهانی یا جی‌اس‌ای به‌شمار می‌رود. البته ابتکار مذکور برای بسیاری از متصدیان روابط بین‌الملل مبهم است، اما برای پکن به‌عنوان بخشی از تقویت کمپین ارائه شده از سوی شی جین پینگ برای بازسازی نظم جهانی به نفع چین، اهمیت فزاینده‌ای دارد.

شی و دیپلمات‌های او در ماه‌های اخیر با فوریت بیشتری ابتکار امنیت جهانی را تبلیغ می‌کنند. «بیانیه اعلام مواضع» (که البته طرح صلح هم نامیده می‌شود) پکن درباره حل‌وفصل جنگ اوکراین که در فوریه و در اولین سالگرد تهاجم روسیه منتشر شد نیز به‌شدت بر ایده‌های موجود در این ابتکار متکی است. ابتکار امنیت جهانی که برای اولین‌بار در آوریل ۲۰۲۲ توسط خود شی جین پینگ مطرح شد و در بیانیه مفهومی منتشر شده در فوریه ۲۰۲۳ نیز بیشتر مورد تفصیل قرار گرفت، مانیفستی برای جایگزینی نظم فعلی «مبتنی بر قوانین» به رهبری ایالات‌متحده و شرکای آن در اروپا و منطقه هند-آرام است. در این ابتکار اصول اصلی دیپلماسی چین، ازجمله اهمیت فوق‌العاده حاکمیت دولت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و مخالفت با تحریم‌های «یک‌جانبه» و «تقابل بلوکی» مورد اشاره قرار گرفته‌اند. اگرچه بسیاری از ایده‌های مصرح در ابتکار امنیت جهانی جدید نیستند، اما درمجموع این ابتکار اولین تلاش شی برای ارائه چشم‌اندازی جامع‌تر از نظم جهانی جدید و فرمول‌بندی ستون فقرات ایدئولوژیک یک نظام حکمرانی جهانی است که نتیجه آن افزایش نفوذ چین، البته به بهای از دست رفتن تاثیرگذاری آمریکا است.

ابتکار امنیت جهانی یک قل دیگر هم دارد: ابتکار توسعه جهانی یا جی‌دی‌آی. دو ابتکار مذکور از طریق این باور مارکسیستی چینی که «امنیت پیش‌نیاز توسعه است و توسعه تضمینی برای امنیت است» -که با عنوان اصل «صلح از طریق توسعه» نیز شناخته می‌شود- به‌هم مرتبط هستند. شی اولین‌بار این پیشنهاد را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱ ارائه کرد تا به احیای تلاش‌های جهانی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد کمک کند. اما این ابتکار هم دقیقا مانند ابتکار امنیت جهانی که در پی هدایت گفتمانی حکمرانی جهانی است، با هدف غصب گفت‌وگوهای بین‌المللی درباره برنامه توسعه جهانی، قرار دادن آن تحت قیمومیت چین و آمیختن آن با اصول (ادعایی) چینی مطرح شده است. ابتکار توسعه جهانی در حوزه توسعه و درون سیستم سازمان ملل متحد مورد استقبال قرار گرفته است.

این ابتکارات دوقلو «طرح» چین برای تغییر نظم جهانی به‌شمار رفته و احتمالا بخشی از مجموعه‌ای از ایده‌هایی هستند که هنوز در راه بوده و قرار است ضمن تقویت یکدیگر، ایجاد یک چشم‌انداز جامع و فزاینده از نظام جدید حکمرانی جهانی را تسهیل کنند. پکن در راستای این تلاش گسترده خود، در مارس ۲۰۲۳ از ابتکار دیگری به نام ابتکار تمدن جهانی یا جی‌سی‌ای رونمایی کرد که هدف آن ترویج یک نظام ارزشی متمرکز بر دولت و تعریف شده از سوی دولت است و نشان دهنده تلاش دیگری از سوی پکن برای حذف ارزش‌های جهانی در زمینه‌هایی مانند حقوق بشر و دموکراسی، همراه با اصول مصرح در ابتکار امنیت جهانی است. در آینده تصویر شده در این ابتکارات، چین پیشتاز خواهد بود و نظام بین‌الملل با دولت‌های خودکامه سر دوستی بیشتری خواهد داشت، حاکمیت به قیمت از دست رفتن آزادی‌های فردی تحکیم خواهد شد و ارزش‌های جهانی مانند دموکراسی و حقوق بشر که برای دهه‌ها در قلب امور جهانی بوده‌اند، از حکومت جهانی رخت بر خواهند بست. این سه ابتکار جهانی از جنبه ایدئولوژیک تلاش‌های شی برای کنار زدن برتری جهانی آمریکا ناشی می‌شوند و بنابراین از ویژگی‌های مهم سیاست خارجی و امنیتی چین به‌شمار می‌روند.

ابتکار امنیت جهانی و ابتکار توسعه جهانی در جهان‌بینی چین

شی اظهار داشته است: «جهان دستخوش تغییرات بزرگی است که در یک قرن گذشته دیده نشده است.» در ظاهر، این گزاره که اکنون در همه‌جا مشهود است به محرک‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، تروریسم، رکود اقتصادی، فناوری‌های مخرب و انقلاب صنعتی چهارم اشاره دارد. چین هم مانند هر کشور ذی‌نفع دیگری باید خود را با این شرایط وفق دهد. اما چنین حقایق بین‌المللی در مورد وضعیت جهان، باور منحصربه‌فرد چینی‌ها درباره نوع دیگری از تغییر را پنهان می‌سازند: چین به‌عنوان قدرت در حال رشد جهان، باید نقش جهانی‌تری را در هدایت جامعه بین‌الملل از میان این چالش‌های جدید برعهده بگیرد و اطمینان حاصل کند که «تغییرات بزرگی که در یک قرن دیده نشده» به‌جای خنثی ساختن، «جوان‌سازی بزرگ ملت چین» را تقویت می‌سازد.

این باور نقطه شروع سه ابتکار فوق‌الذکر به‌شمار می‌رود. این ابتکارات پاسخی به جهانی هستند که دستخوش تغییرات تاریخی به‌شمار می‌روند، تغییراتی که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند به نفع چین باشند. پکن معتقد است که «چین در بهترین مرحله از توسعه خود از دوران مدرن تابه‌حال به سر می‌برد»؛ درست همان‌طور که مرکز ژئوا کونومیک جهان از اقیانوس اطلس شمالی به منطقه هند-آرام انتقال یافته است.

در همین حال، چین به‌عنوان ارزشمندترین بازیگر این منطقه پویا، احیای مجدد خود را در پس زمینه آمریکای پساترامپ، پسابحران مالی و آنچه رهبران پکن معتقدند کاهش نفوذ جهانی ایالات‌متحده است و توسط روشنفکران چینی از آن به‌عنوان «خیزش شرق و افول غرب» یاد می‌شود، قرار می‌دهند.

علی‌رغم هشدارهای اقتصاددانان ارشد، چین به رهبری شی به خود اعتماد دارد. او به‌طور معمول اصرار می‌ورزد: «زمان و شتاب در کنار ما است.» نخبگان سیاسی چین بر این باورند که تا سال ۲۰۴۹ -صدمین سالگرد تاسیس رژیم کمونیستی- دولت مدرن سوسیالیستی چینِ جوان شده، ثروتمند و قدرتمند، از نظر تمامی مولفه‌هایی که در شکل‌گیری قدرت جامع یک کشور نقش دارند، با آمریکا برابر بوده یا از آن پیشی خواهد گرفت. ابتکار امنیت جهانی و ابتکار توسعه جهانی ابزار مهم برای کمک به چین برای دستیابی به برتری جهانی هستند. اگرچه درباره این دو ابتکار با قلت جزئیات و کثرت هجویات، روبه‌رو هستیم، اما آنها پاسخ چین به آینده نظم بین‌المللی به‌شمار می‌روند.

از زمانی که ابتکار کمربند-جاده به‌عنوان برنامه اصلی توسعه شی در سال ۲۰۱۳ مطرح شده است، پکن جایگزین‌هایی چینی برای حکمرانی جهانی ارائه کرده و در این فرآیند ترجیحات واشنگتن برای نظم بین‌المللی را هم تضعیف کرده است. با این حال، ابتکار کمربند-جاده که عمدتا به‌عنوان یک پروژه زیرساخت‌سازی و با نتایج متفاوت شناخته می‌شود، نتوانسته است به جلوه‌ای کامل از دنیای پساغربی که در بحبوحه رقابت سیستماتیک آمریکا و چین به‌شدت به آن نیاز است، تبدیل شود. در سال ۲۰۱۷، شی یک مفهوم کلیدی دیگر را برای دستورکار بین‌المللی معرفی کرد و خواستار ساخت «جامعه‌ای دارای آینده مشترک برای نوع بشر» شد که بیشتر زمینه را برای پیشبرد چشم‌انداز راهبردی او فراهم کرد. ابتکارات توسعه جهانی، تمدن جهانی و امنیت جهانی را در نظر بگیرید. رهبران چین این ابتکارات را به‌عنوان راه‌حل‌هایی جدید، شدیدا موردنیاز و برتر برای مشکلات جهان توصیف می‌کنند. در ژوئن سال ۲۰۲۲، شی اظهار داشت که ابتکار توسعه جهانی «در زمانی آغاز شده است که... شکاف شمال-جنوب همچنان افزایش می‌یابد و بحران‌های امنیت غذایی و انرژی در حال ظهور هستند.» وانگ از این ابتکار به‌عنوان «یک فراخوان جمع‌کننده برای جلب توجه بیشتر به توسعه و بازگرداندن آن به مرکز دستور کار بین‌المللی» یاد کرد و افزود این ابتکار یک «مسیر سریع» برای ارتقای توسعه و همچنین یک سکوی موثر برای همه طرف‌ها در حوزه هماهنگ کردن سیاست‌های توسعه و تعمیق همکاری‌های عملی است. شی اصول اصلی بیان شده در ابتکار توسعه جهانی را تعهد به رویکرد «مردم‌محور» و «نوآوری‌محور» در توسعه و تمرکز بر «اقدامات نتیجه‌محوری» که «همه را منتفع می‌سازند» توصیف کرده است.

ابتکار امنیت جهانی هم یکی از «کالاهای عمومی ارائه شده از سوی چین» است که درست در هنگامه تردید ناشی از حمله روسیه به اوکراین مطرح شده است. وانگ‌یی اهمیت این ابتکار را در حفظ صلح جهانی، جلوگیری از وقوع درگیری و جنگ و حمایت از چندجانبه‌گرایی می‌داند. این ابتکار مشتمل بر «شش تعهد» است که برخی از آنها مستقیما از کرملین وام گرفته شده‌اند: چشم‌انداز امنیت مشترک، فراگیر، تعاونی و پایدار؛ احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها؛ پایبندی به اهداف و اصول منشور ملل متحد؛ جدی گرفتن نگرانی‌های امنیتی مشروع همه کشورها؛ حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین کشورها از طریق گفت‌وگو و مشورت؛ و حفظ امنیت در هر دو حوزه سنتی و غیرسنتی.

روایت رسمی فوق‌الذکر ممکن است این تصور را ایجاد کند که چین با مقابله با دو مورد از مبرم‌ترین مسائلِ اکثر کشورهای درحال توسعه، یعنی توسعه و امنیت، نسبت به تغییرات جهانی واکنش نشان می‌دهد. اما این همه ماجرا نیست و با نگاهی کلان‌تر می‌توان نحوه استفاده پکن از این ابتکارات را مشاهده کرد. برای اولین بار در تاریخ، یک سیاست جهانی چینی با آرمان‌های جهانی برای نجات جهان قدم برمی‌دارد. شی در سخنرانی خود در مجمع بوآئو در سال ۲۰۲۱ با موضوع «جهان در حال تغییر»، از «چهار کسری» که بشریت با آنها مواجه است ابراز تأسف کرد: «کسری فزاینده حکومت‌داری، کسری اعتماد، کسری توسعه و کسری صلح.» «چه بلایی سر دنیا آمده است؟ راه پیش‌روی بشریت چیست؟» این اظهارات بعدها در اصطلاح حزب کمونیست به‌عنوان «پرسش‌های زمانه ما» شناخته شد.

پاسخ این سوال‌ها نزد شی است؛ درست برخلاف رهبران غربی که برای دو قرن جامعه بین‌المللی را هدایت کرده و نشان داده‌اند که اطلاعی از پاسخ این پرسش‌ها ندارند. براساس روایت پکن از رویدادها، درست زمانی که جهان بیش از همه به یک رهبری جهانی قوی و متحد نیاز داشت، نظام حکمرانی جهانی به رهبری غرب آن را به شکست کشاند. منابع چینی «تصویری از درماندگیِ» غرب رهبری شده توسط ایالات‌متحده را ترسیم می‌کنند که بیش از حد درگیر بحران‌های داخلی است و آنقدر متمرکز بر مهار چین است که نمی‌تواند برای حفظ هژمونی خود و نظم جهانی «ناعادلانه و غیرمنصفانه»، اقدامی کند.

روایت حزب کمونیست چین مبتنی بر این گزاره‌ها است که در این «جهان پر از تردید»، «چین بزرگ‌ترین منبع ثبات به شمار می‌رود.» رهبری حزب با مسلح شدن به «جوهر ایدئولوژیک فرهنگ سنتی عالی چین» همراه با «نگاه و روش‌شناسی جهانی» و راهنمایی «علمی» مارکسیسم، توانسته است «مشکلات جهان» را «به‌درستی» ارزیابی کند. نظریه‌پردازان حزبی مدافع این ادعا هستند که مجموعه این حکمت‌ها در «پاسخ‌نامه» پرسش‌های زمانه ما انعکاس یافته است و کلید آینده مشترک بشر را می‌توان در «نسخه‌های چینی» مطرح شده برای مصائب جهانی یافت.

بنابراین، ابتکارهای توسعه جهانی و امنیت جهانی نوعی نسخه برای «تثبیت» نظم جهانی ارائه می‌کنند. در وهله اول باید به آنها به‌عنوان بخشی از یک تلاش بزرگ‌تر برای تثبیت چین به‌عنوان یک رهبر در حکمرانی جهانی نگاه کرد. ابتکار توسعه جهانی نمادی از تجربه اساسی چین در ۴۰ سال گذشته از تلقی «توسعه» به‌عنوان راه‌حل تمامی مشکلات هستند. «مدل چینی» به‌عنوان نمونه‌ای برای سایر کشورهای درحال توسعه عمل می‌کند. به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی، چین باید فرصت‌های توسعه را با سایر نقاط جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، به اشتراک بگذارد و بر نقش چین به‌عنوان تامین کننده جهانی کالاهای عمومی صحه گذارد.

بنابراین، این دو ابتکار نشان‌دهنده جهان‌بینی چینی در حال تحولی هستند که در آن سیاست‌های داخلی، بیرونی می‌شوند. هدف پکن ایجاد یک محیط خارجی مطلوب است که از منافع حاکمیتی، امنیتی و توسعه‌ای چین حمایت کند. درعین‌حال، این دو ابتکار را نمی‌توان خارج از بافتار مقابله چین با ایالات‌متحده دریافت. رهبران چینی اغلب این ابتکارات را در قالب رقابت قدرت‌های بزرگ تعریف می‌کنند. لیو جیانفری، نظریه‌پرداز ارشد حزب کمونیست، معتقد است: «برای ایجاد گسترده‌ترین جبهه متحد ضد هژمونیک و شکستن «ائتلاف ضد چینی» که ایالات‌متحده در تلاش برای ایجاد آن است، تلاش کنید. این بازی بزرگ نه‌تنها یک رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های بزرگ است، بلکه رقابتی بین نظام‌های حکمرانی ملی و جهت‌گیری حکمرانی جهانی و نظم بین‌المللی نیز به شمار می‌رود.»

به همین منظور، راه‌حل‌های چین ابتدا به‌عنوان مظهر «چندجانبه‌گرایی واقعی» شناخته می‌شوند. معاون وزیر خارجه سابق چین، لو یوچنگ، این نوع از چندجانبه‌گرایی را نقطه مقابل «چندجانبه‌گرایی جعلی، قوانین جعلی، حقوق بشر جعلی و دموکراسی جعلی» غرب به رهبری ایالات‌متحده توصیف کرده است. به گفته وانگ‌یی، «این راه‌حل‌ها بهبود می‌یابند و فراتر از نظریه غربی امنیت ژئوپلیتیکی هستند.» پکن می‌تواند با پیوند دادن راهبردهای امنیتی و توسعه‌ای خود با سایر نقاط جهان، «مهار و سرکوب» غرب به رهبری آمریکا را خنثی کند. به‌علاوه، هدف این ابتکارات جدید باز تعریف ارزش‌های جهانی و نظم بین‌المللیِ مبتنی بر قوانین به نفع «حاکمیت مطلق» و «ارزش‌های مشترک بشریت» است. این ابتکارات به‌طور بالقوه می‌توانند انتقادات غرب از سرکوب داخلی و نقض حقوق بشر در چین را منحرف کنند. در سطح فعالانه هم این ابتکارات قادر خواهند بود تا به دیگر رژیم‌های استبدادی آزادی عمل بیشتری بدهند تا بدون مجازات و با مشروعیتی بیشتر در صحنه جهانی عمل کنند. این ابتکارات همچنین از اصول کلیدی سیاست خارجی چین مانند سیاست عدم ائتلاف- که براساس آن پکن ائتلاف نظامی ایجاد نمی‌کند- و سیاست عدم تجاوز، تخطی می‌کند. درعین‌حال ابتکارات مذکور، ایجاد سکوهای چندجانبه ضد غربی را برای پکن آسان‌تر می‌کند. در ابتکار امنیت جهانی همچنین مفهوم کرملین در مورد «امنیت غیرقابل تقسیم» به‌صورت رسمی پذیرفته شده است، به‌طوری که رهبران چین به همراه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، تهاجم غیرقانونی به اوکراین را با مقصر دانستن ناتو به رهبری ایالات‌متحده به دلیل ارتکاب «گناه اصلی» که منجر به جنگ اوکراین شد، توجیه کردند.

درنتیجه، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار توسعه جهانی به عناصر اصلی سیاست خارجی چین تبدیل شده‌اند. تقریبا در تمامی تعاملات دیپلماتیکی که چین در سال گذشته داشته است، اطمینان حاصل کرده است که طرف‌های خارجی همیشه معترف به «اهمیت راهبردی آنها در حل خطرات و چالش‌های پیش‌روی جهان امروز» هستند. وزارت خارجه چین در تلاشی دیگر برای توجه به درخواست شی برای «گسترش دایره دوستان چین» از سازوکاری مبهم در سازمان ملل برای تاسیس سریع گروه دوستان ابتکار توسعه جهانی استفاده کرد. جای تعجب نیست که نشست این گروه در نیویورک در ماه سپتامبر به میزبانی وانگ با حضور نمایندگانی از جنوب جهانی برگزار شد که بسیاری از آنها از نزدیک با پکن همسو بودند یا با برنامه‌های توسعه این کشور مرتبط هستند؛ ازجمله لائوس، کامبوج، اتیوپی، ازبکستان و مصر. از آوریل ۲۰۲۳، ابتکار توسعه جهانی از حمایت بیش از ۱۰۰ کشور و سازمان بین‌المللی و تایید دبیرکل سازمان ملل برخوردار شده است و نزدیک به ۷۰ کشور از این تعداد به گروه دوستان آن در ژنو پیوسته‌اند.

ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی در سیاست خارجی چین: تعمیق روابط با جنوب جهانی

قبل از شی جین پینگ، رهبری جمهوری خلق چین از القای این تصور که چین «الگویی» برای کشورهای دیگر در زمینه رشد و توسعه است، ابا داشت و در عوض بر نیاز کشورها به دنبال کردن مسیر مخصوص به خود تاکید می‌کرد. اما این وضعیت اکنون تغییر کرده است. شی به‌صراحت چین را به‌عنوان یک الگو مطرح کرده است؛ کما اینکه در سخنرانی خود در سال ۲۰۱۷ اظهار داشت که تجربه تاریخی چین همراه با «معجزه توسعه اصلاحات و گشایش در حال حاضر براساس حقایق غیرقابل انکار به جهان اعلام کرده است که ما صلاحیت داریم که یک رهبر جهانی در شکل‌دهی به یک نظم بین‌المللی جدید باشیم.» پکن در جایابی «راه‌حل چینی» به‌عنوان یک مدل جایگزین توسعه برای شمال جهانی جسور شده است. ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی را باید به‌عنوان بخش‌هایی از یک جاه‌طلبی بزرگ‌تر برای مطرح کردن چین به‌عنوان یک رهبر در حکمرانی جهانی و ارائه کالاهای عمومی تحت یک چهارچوب هنجاری جایگزین درک شوند. این امر به‌ویژه در جنوب جهانی در حال افزایش است.

درحالی که پکن مدت‌ها است که متعهد به همکاری جنوب-جنوب بوده است، اما نفوذ آن در بیشتر کشورهای درحال توسعه در دوران زعامت شی جین پینگ، چرخشی راهبردی یافته است. داون مورفی، استاد کالج ملی جنگ ایالات‌متحده درباره نقش چین در خاورمیانه و آفریقا معتقد است: «با افزایش قدرت چین، این کشور به‌طور فزاینده‌ای حوزه‌های نفوذی را در این مناطق ایجاد می‌کند و با ایجاد نظم بین‌المللی جایگزین، قوانین نظام بین‌المللی را به چالش می‌کشد.» البته این گزاره بدان معنا نیست که پکن خواهان واژگونی کلی نظم موجود است، بلکه تاکید بر این است که این کشور دیدگاه پیچیده‌ای نسبت به نظم بین‌المللی دارد و ترجیحات آن اغلب با هنجارهای مورد علاقه ایالات‌متحده و سایر دموکراسی‌ها سر سازگاری ندارد. مورفی در این میان تمایز جالبی ارائه می‌نماید که به‌خوبی روشنگر نظم و استفالیایی- بستر نظام بین‌الملل معاصر- و نظم بین‌المللی لیبرال- یک نظم غربی [نه جهانی] که در آن دولت‌های غربی اعضای غالب بودند- ارائه می‌کند. نظم وستفالیایی مبتنی بر هنجارهایی مانند حاکمیت، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، تعیین سرنوشت و عدم تبعیض است؛ که همگی با ترجیحات چین مطابقت دارند. این در حالی است که نظم بین‌المللی لیبرال تحت تسلط مداوم هنجارهای لیبرالی ترجیح داده شده از سوی غرب است؛ مانند بازارهای آزاد، نهادهای بین‌المللی، امنیت مشترک، دموکراسی، حل جمعی مشکلات، حاکمیت مشترک و حکومت قانون. حزب کمونیست چین و همچنین بسیاری از دولت‌های غیرغربی این ایده را که هنجارهای لیبرالی مولفه‌هایی جهانی به شمار می‌روند که باید به‌عنوان اصول اساسی برای زندگی سیاسی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند، رد می‌کنند. این دو نظم می‌توانند کنار هم وجود داشته باشند و وجود هم دارند و کشورهای مختلف هم ممکن است با جنبه‌های مختلف آنها همگرایی یا واگرایی داشته باشند. نظم بین‌المللی لیبرال برای چین ثبات و رفاهی را فراهم کرده است که بدون آن سیاست‌های دوران اصلاحات این کشور نمی‌توانست رشد و توسعه‌ای که چین را متحول کرده است، به بار آورد. درعین‌حال، ارزش‌های نظم بین‌المللی لیبرال در تنش دائمی با آرمان‌های حزب کمونیست چین و هدف آن برای حصول اطمینان از دستیابی این کشور به جایگاه یک قدرت بزرگ و ایفای نقش مرکزی در حکومت جهانی است. فو ییِنگ، رئیس وقت کمیته روابط خارجی کنگره ملی خلق، در سال ۲۰۱۶ و طی سخنرانی‌ای که در لندن داشت، بینش خود نسبت به این دو نظم رقیب را ترسیم کرد. او به حمایت چین از اصول نظم وستفالیایی که توسط سازمان ملل متحد و نهادهای آن تجسم یافته است، اشاره و اضافه کرد: «چین به‌عنوان «یکی از بنیان‌گذاران، ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان سازمان ملل و همچنین به‌عنوان بخشی از تلاش‌های اصلاحی خود، تعلقی قوی به سازمان ملل دارد.» او از سوی دیگر، از نظم لیبرال انتقاد کرد زیرا سلطه غرب را تداوم می‌بخشد و درعین‌حال قادر به حل جدی‌ترین مشکلات جهان نبوده و در مواقعی حتی این مصائب را نیز تشدید می‌کند. تنش بین این دو نظم دلیلی است که چین مکررا خواستار اصلاح حکمرانی جهانی است؛ نکته‌ای که شی هنگام بیان مجموعه‌ای از اولویت‌های دیپلماسی چین در سخنرانی سال ۲۰۱۸ هم بر آن تاکید کرد: چین نقش رهبری را در این اصلاحات برعهده خواهد گرفت و رویه‌های جهانی جدید را «با مفهوم انصاف و عدالت» همراه خواهد کرد.

بنابراین ابتکارات تحت رهبری چین مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا، کمربند-جاده، ابتکار امنیت جهانی، ابتکار توسعه جهانی و ابتکار تمدن جهانی، بخشی از تلاش‌های این کشور برای اصلاح سیاست بین‌المللی به‌شمار می‌روند. در این سیل ابتکارات چینی، جنوب جهانی نقطه کانونی بوده است. چین علی‌رغم برخورداری از اقتصادی عظیم همچنان به‌عنوان «بزرگ‌ترین کشور درحال توسعه جهان» شناخته می‌شود و از این جایگاه برای ایجاد حمایت و همبستگی با سایر کشورهای درحال توسعه استفاده می‌کند؛ یعنی همان کشورهایی که با فاصله زیادی از سایرین نماینده اکثریت جهان به شمار می‌روند. شی اخیرا بر عضویت چین در جنوب جهانی تاکید کرد و گفت: «چین همیشه عضوی از خانواده کشورهای درحال توسعه خواهد بود. ما نهایت تلاش خود را برای ارتقای نمایندگی و صدای کشورهای درحال توسعه در نظام حکمرانی جهانی انجام خواهیم داد.» جمهوری خلق چین مدت‌هاست که از این وضعیت به‌عنوان «نماینده دائمی جهان درحال توسعه» در نهادهای بین‌المللی -مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول- که در آنها به دلیل وزن سیاسی و اقتصادی خود دارای نفوذ قابل توجهی است، استفاده می‌کند. چین در ارتباط گیری خود با جنوب جهانی همکاری را نهادینه و حمایت مالی جدی ارائه کرده و برنامه‌های داخلی مطلوبی برای اجرای موثرتر سیاست‌های خود تدوین کرده است. چین از منظر نهادینه‌سازی، مجمع همکاری چین و آفریقا، مجمع همکاری چین و کشورهای عربی و مجمع چین و جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب را تاسیس کرده است. هر یک از این انجمن‌ها دارای نمایندگانی در سطح سفیر، جلسات منظم و گروه‌های کاری برای تسهیل هماهنگی سیاستی بین چین و سایر کشورهای عضو هستند. در زمینه حمایت‌های مالی نیز، پکن بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ نزدیک به ۴۲ میلیارد دلار به کمک‌های خارجی از جمله کمک‌های بلاعوض، وام‌های بدون بهره و... اختصاص داد. از مبلغ مذکور، نزدیک به ۴۵ درصد به آفریقا و ۳۷ درصد به آسیا اختصاص داده شده است. در اوت ۲۰۲۲، پکن اعلام کرد که از ۲۳ وام بدون بهره خود به ۱۷ کشور آفریقایی چشم‌پوشی می‌کند و درعین‌حال ۱۰ میلیارد دلار از ذخایر خود نزد صندوق بین‌المللی پول را به سمت کشورهای آفریقایی هدایت می‌کند. در سال ۲۰۱۵ هم چین صندوق مساعدت و جنوب-جنوب را تاسیس کرد و تاکنون ۳ میلیارد دلار به این صندوق پرداخت کرده است.

ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی: چالش‌ها، فرصت‌ها و سرنوشت نظم جهانی

نخبگان سیاسی چین اغلب این ابتکارات دوقلو را به کمربند-جاده تشبیه می‌کنند. ابتکار کمربند-جاده نیز زمانی که برای اولین بار راه‌اندازی شد، توجه کمی را از سوی جامعه بین‌المللی به خود جلب کرد. اما در حال حاضر، این ابتکار به یک شاخص توسعه جهانی تبدیل شده (صرف‌نظر از خوبی یا بدی آن) و برای جهان در حال ظهور، یک شکل جایگزین از تامین مالی پروژه‌ها توسط موسسات غربی را ارائه می‌کند. آنها معتقد هستند که ابتکارات توسعه و امنیت جهانی نیز در سال‌های آینده به همین اندازه در همه جا حاضر و تاثیرگذار خواهند بود و درنهایت نقش مهمی در بازسازی حکمرانی جهانی ایفا خواهند کرد.

مقایسه بین ابتکار کمربند-جاده و ابتکارات دوقلو سازنده است. رهبران چین، دقیقا مشابه کاری که با ابتکار کمربند-جاده کردند، در صحنه جهانی بر طبل اهمیت این دو ابتکار جدید نیز می‌کوبند و در مجامع بین‌المللی و اجلاس‌های دیپلماتیک و از طریق رسانه‌های دولتی این ابتکارات را مورد تمجید قرار می‌دهند. اگرچه ممکن است این دو ابتکار امروزه کمتر شناخته شده باشند، اما احتمالا در آینده گریزی از آنها نخواهد بود.

با این وجود، یک تمایز کلیدی بین ابتکار کمربند-جاده و ابتکارات دوقلو وجود دارد. توسعه کمربند-جاده از طریق «خرید» ممکن بود. کشورهای درحال توسعه که دائما به منابع مالی نیاز داشتند احتمالا همیشه با آغوش باز از تامین مالی چینی استقبال می‌کردند. البته ابتکارات دوقلو را نیز می‌توان به یک معنا خریداری کرد؛ کشورهایی که خواهان پیوندهای اقتصادی قوی با چین و دریافت کمک‌های مستمر از سوی این کشور هستند تشویق می‌شوند تا حمایت خود را از ابتکار امنیت جهانی و ابتکار توسعه جهانی حداقل به‌صورت لفظی ابراز کنند تا جریان پول چینی همچنان به سمت آنها تداوم یابد اما نکته مهم این است که ابتکارات دوقلو تنها در حوزه ایده حیات دارند و برای اینکه این ایده‌ها نقش معناداری در شکل‌دهی مجدد نظم جهانی ایفا کنند باید توسط سیاستگذاران جهانی اتخاذ و عمل شوند. برای نیل به این مهم پکن باید تعداد کافی از کشورهای جهان را متقاعد کند که اصول پیشنهادی آن صرفا جایگزینی برای اصول نظم مبتنی بر قوانینِ تحت رهبری ایالات‌متحده نیست، بلکه اصولی برتر به شمار می‌روند که قادر به حل مناقشات، مقابله با چالش‌ها و ارتقای رفاه هستند.

بنابراین موفقیت یا شکست این دو ابتکار ارتباط تنگاتنگی با موفقیت یا شکست تلاش‌های بزرگ‌تر چین برای تغییر شکل حکمرانی جهانی دارد. ابتکارات دوقلو چهارچوب ایدئولوژیکی نظم جهانی جدید چین را تشکیل می‌دهند و بدون استقبال کافی از سوی دیگر دولت‌ها چیزی بیشتر از بحث‌های دیپلماتیک باقی نخواهند ماند. سیاستگذاران چینی باید اصول مدنظر خود را در گفتمان جهانی ترکیب کنند تا بر نحوه تعامل دولت‌ها با یکدیگر، نحوه عملکرد نهادهای چندجانبه و مهم‌تر از همه ارزش‌هایی که توسط ذی‌نفعان در سیستم جهانی حمایت می‌شود تاثیر بگذارند.

بخش اعظم توانایی چین برای ترویج اصول ابتکارات دوقلو به مسیر خود این کشور بستگی دارد. در مباحث مربوط به تلاش‌های چین برای تغییر شکل نظم جهانی، اغلب تداوم و سرعت مطلوب رشد این کشور مسلم فرض می‌شود اما این مساله قطعی نیست. چین امروز با چالش‌هایی جدی برای توسعه خود مواجه است. اقتصاد این کشور با افزایش بدهی، بخش املاک متورم و چشم‌اندازی ضعیف‌تر برای رشد دست‌وپنجه نرم می‌کند. تمرکز قدرت سیاسی در دست شی روند سیاستگذاری را کمتر قابل پیش‌بینی و عمل‌گرایانه و بیشتر ایدئولوژیک کرده است. سیاست اقتصادی شی از فرمول آزموده‌شده و واقعی «اصلاحات و گشایش» که سرمایه‌گذاری خصوصی و ادغام با اقتصاد جهانی را ترویج می‌کند فاصله گرفته و به کنترل سنگین‌تر دولت و تمرکز بر جایگزینی واردات متمرکز شده است. موضع خصمانه شی در قبال ایالات‌متحده همچنین محیط بین‌المللی را که از پیشرفت اقتصادی چین حمایت کرده، متزلزل و جریان‌های حیاتی سرمایه‌گذاری و فناوری جاری به این کشور را هم مختل کرده است. اگر اقتصاد چین دچار تزلزل شود انگیزه پکن برای کسب نفوذ بیشتر جهانی و توانایی آن برای طرح نظام سیاسی و اقتصادی این کشور به‌عنوان یک مدل برتر برای جهان و مبنای راه‌حل‌های مشکلات جهانی نیز آسیب خواهد دید و جایگاه ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی نیز آسیب خواهد دید.